



بررسی روند دعوی در دیوان حقوق بشر اروپایی

کسری صباغی *

1. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران

چکیده

امروزه و با گذشت سیر تحول و کنش‌های متعدد نابرابری‌ها و سلب حق‌ها واژه حقوق بشر آشنا و دارای مفهوم است حال آن که این واژه نهایت شگفت خود را در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به غایت ترین شکل ممکن در دوره کنونی خود را نشان می‌دهد. این کنوانسیون و در دل آن دیوان حقوق بشر اروپایی (دادگاه حقوق بشر اروپایی) که یک نهاد برای تضمین حقوق بیان شده در کنوانسیون است و به نوعی می‌توان گفت اولین مرجع رسیدگی کننده به دعوی شخص زیان دیده از نقض حق‌های بیان شده در کنوانسیون علیه دولت زیان زننده است، در این پژوهش با جمع آوری اطلاعات از روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و الکترونیکی و رویه در برخی پرونده‌های مطرح شده در دیوان مذکور، به این سوال که روند دادرسی و رسیدگی ماهوی در دیوان حقوق بشر اروپایی چگونه است پاسخ داده خواهد شد و به هدف فرعی نیز که بررسی نقض‌های این نهاد در خصوص روند رسیدگی است پاسخ خواهد داده شد.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، دیوان حقوق بشر اروپایی، روند دادرسی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر.



مقدمه

هدف این پژوهش پاسخ دهی به این سوال است که روند دادرسی در دیوان حقوق بشر اروپایی چگونه است و هدف فرعی هم نیز بررسی نقض های این نهاد در خصوص روند رسیدگی است ولی قبل از آنکه به بررسی روند دعوی در دیوان حقوق بشر اروپایی بپردازیم لازم است در مقدمه به صورت کلی به تاریخچه و بخش هایی از ساختار کنوانسیون و دیوان (دادگاه) حقوق بشر اروپایی و حق دادرسی بپردازیم که برای ورود به مطلب اصلی و پاسخ دهی به اهداف اصلی این پژوهش لازم است.

الف. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی نخستین سند بین المللی در سطح منطقه ای است که تحت تأثیر منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر تنظیم شده است. این سند در سال 1950 توسط شورای اروپا به تصویب رسید و در سال 1953 لازم الاجرا شد. تاکنون 16 پروتکل به این کنوانسیون ضمیمه شده که مقررات این کنوانسیون را تکمیل و حقوق تحت حمایت آن را توسعه داده اند. این کنوانسیون اولین سند بین المللی حقوق بشری است که توانسته به منظور نظارت و کنترل قضایی یک سند بین المللی، نهاد قضایی ایجاد کند که همان دادگاه اروپایی حقوق بشر است. هدف این کنوانسیون، حمایت از حقوقی است که تحت عنوان حقوق بشر قرار گرفته و در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز مورد تأکید قرار گرفته اند.

مواد 2 تا 14 کنوانسیون و پروتکل های 1، 4، 6، 7، 12 و 13 مجموعه حقوق تحت حمایت کنوانسیون و پروتکل ها را شامل میشوند. اولین هدف از اهداف پنج گانه شورا حمایت از حقوق بشر و دموکراسی پلورالیستی می باشد. به هر حال اهداف دیگری نیز به طور مستقیم یا غیر مستقیم به حمایت از حقوق مردم ارتباط پیدا میکند^۲ (دیکسون، ۱۹۹۷). سیاست حمایت از حقوق بشر، در مقدمه خود کنوانسیون نیز مورد تأکید قرار گرفته است هدف شورای اروپا حصول اتحاد بیشتر بین کشورهای عضو میباشد (طباطبائی، 1382).

در واقع می توان گفت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نخستین گام در لازم الاجرا کردن مقررات حقوق بشری اعلامیه جهانی حقوق بشر است. زیرا وقتی اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ تصویب شد معلوم بود که به این زودی از حد یک اعلامیه و بیان درک و تفاهم مشترک جهانی نسبت به حقوق انسانی مذکور در آن تجاوز نمی کند و سال ها طول می کشد تا مکانیزم اجرایی و لازم الاور برای آن پیدا شود و چنانکه دیدیم در عمل همینطور هم شد زیرا ۱۸ سال پس از تصویب اعلامیه میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی تصویب شد و مقررات کلی اعلامیه در قالب معاهده درآمد و ۱۰ سال هم طول کشید تا این معاهده با پیوست حداقل تعداد لازم به آن یعنی در سال ۱۹۷۶ قدرت اجرایی پیدا کند یعنی در واقع پس از ۲۸ سال از تاریخ تصویب اعلامیه توانست مقررات آن به گونه ای تحقق میثاق و قرارداد بین الملل بین دولت ها جنبه اجرایی به خود بگیرد. (مهرپور، ۱۳۹۷).

دولت های اروپایی با تصویب کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در واقع هرچه زودتر حقوق انسانی اعلام شده در اعلامیه حقوق بشر را در قالب قرارداد بین خود آوردند و مکانیزم اجرایی نیز برای آن در نظر گرفتند بنابراین حقوق ماهوی

¹ European Convention on Human Rights

² Dickson, Brice (ed.) Human Rights and the European Convention (London, Sweet & Maxwell, 1997)



اعلام شده در کنوانسیون به عنوان حقوق بشر بر مبنای همان مانند حقوق اعلام شده در اعلامیه حقوق بشر است و مقدمه کنوانسیون نیز بر این معنی تأکید شده است. مقدمه کنوانسیون می‌گوید با عنایت به اعلامیه جهانی حقوق بشر و اینکه هدف اعلامیه مزبور تضمین شناسایی و رعایت جهانی حقوق اعلام شده در آن می‌باشد و با توجه به اینکه هدف شورای اروپا دستیابی به اتحاد بزرگ بین اعضای آن است و یکی از روش‌های نیل به این هدف حفظ و رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی است و با در نظر گرفتن اینکه دولت‌های اروپا همفکر و دارای میراث مشترک سنت‌های سیاسی عقیدتی آزادی‌خواهی و حکومت قانون هستند با تصویب این کنوانسیون نخستین گام را در اجرای دسته جمعی برخی از حقوق اعلام شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر برمی‌دارند با این اوصاف حقوق ماهوی اعلام شده در کنوانسیون منطبق بر همان حقوق اعلام شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر است. (منبع پیشین)

برخی از حقوق مندرج در کنوانسیون اروپائی حقوق بشر (۱۹۵۰) در بخش اول آن مواد (۲-۱۴) درج گردیده است. این بخش از کنوانسیون پس از اصلاحات دست نخورده باقی مانده و شماره مواد آن نیز تغییر نیافته است. این حقوق عبارت است از حق حیات ماده (۲)، منع شکنجه (ماده ۳)، منع برده داری و کار اجباری (ماده ۴)، حق آزادی و امنیت فردی (ماده ۵)، حق برخورداری از دادرسی عادلانه (ماده ۶)، منع مجازات بدون قانون (ماده ۷)، حق احترام برای زندگی خصوصی و خانوادگی افراد ماده (۸)، آزادی اندیشه اعتقادات و مذهب (ماده ۹)، (طباطبائی، ۱۳۸۲) کنوانسیون دو نهاد نظارتی و اجرایی تأسیس کرده است که عبارتند از ۱. کمیسیون اروپایی حقوق بشر ۲. دادگاه اروپایی حقوق بشر (ماده ۱۹ کنوانسیون مذکور)

ب. کمیسیون اروپایی حقوق بشر

هریک از دولت‌ها نماینده یا عضو در کمیسیون حقوق بشر داشته باشد (ماده ۲۰) اعضای کمیسیون از بین نامزدهای پیشنهادی دفتر مجمع مشورتی پارلمان اروپا به وسیله کمیته وزرا انتخاب می‌شوند دولت‌های عضو مجمع پارلمانی اروپا باید سه نفر نامزد برای عضویت در کمیسیون معرفی نمایند که دست کم دو نفر باید تابعیت آنها را داشته باشند. در نتیجه ممکن است برخی از اعضای کمیسیون و نیز دادگاه حقوق بشر اروپایی تابعیت کشورهای اروپایی را نداشته باشند (مهرپور، ۱۳۹۷)

چنانکه مثلاً پروفیسور ماکدونالد تبعه کانادا عضو دادگاه حقوق بشر اروپایی و نامزد معرفی شده سوی لیختن اشتاین است (BUERGENTHAL, 1995)^۳ طبق بند ۳ الحاقی به ماده ۲۱ بر اساس پروتکل شماره ۸ که در یک ژانویه ۱۹۹۰ لازم الاجرا شد اعضای کمیسیون باید از موقعیت بالای اخلاقی برخوردار بوده و صلاحیت‌های لازم را برای احراز مقام بالای قضایی داشته باشند یا افرادی باشند که به عنوان حقوقدان در سطح داخلی یا بین‌المللی شناخته شده باشند (همان منبع)

۱- صلاحیت‌های کمیسیون اروپایی حقوق بشر:

الف. رسیدگی به اعلام شکایت دولت‌ها علیه یکدیگر ماده ۲۴ کنوانسیون^۴ می‌گوید «هر دولت عضو می‌تواند از طریق دبیرکل شورای اروپا نسبت به موارد نقض مقررات کنوانسیون علیه دولت دیگر عضو شکایت کند.» هر دولتی با تصویب کنوانسیون فرض می‌شود که صلاحیت کمیسیون را برای رسیدگی به چنین شکایتی پذیرفته و نیازی به

INTERNATIONAL HUMAN RIGHTS: BY: THOMAS BUERGENTHAL, SECOND EDITION. ³
WEST PUBLISHING CO. UNITED STATES OF AMERICA, 1995
Article 24 of the European Convention on Human Rights.²



دادن اعلامیه جداگانه ندارد دولتی که چنین شکایتی را مطرح می‌کند لازم نیست خودش در این خصوص ذینفع باشد. (مهرپور، ۱۳۹۷) دادگاه اروپایی حقوق بشر در ضمن یک رای مربوط به دادخواست ایرلند علیه انگلیس مورخ ۱۸ ژانویه ۱۹۷۸ این موضوع را بدین گونه بیان کرد کنوانسیون به دولت‌های طرف قرارداد اجازه می‌دهد که درخواست رعایت این تعهدات را بنمایند بدون اینکه ناچار باشند نفی را برای خود توجیه نمایند مثلاً اثبات کنند که اقدام مورد شکایت به یکی از اتباع آنها آسیب وارد کرده است (BUERGENTHAL, 1995) در حال طبق یک قاعده و اصل کلی می‌توان گفت که دولت‌ها از طرح شکایت علیه یکدیگر اکراه دارند و می‌ترسند که این امر به عنوان یک عمل غیر دوستانه تفسیر شود و در روابط سیاسی آنها اثر سوء بر جای گذارد (منبع پیشین). رسیدگی به شکایات خصوصی طبق ماده ۲۵ کنوانسیون هر فرد سازمان غیر دولتی یا گروهی از افراد که مدعی‌اند قربانی نقض حقوق بشر موضوع کنوانسیون از سوی یکی از دولت‌های عضو شده‌اند می‌توانند از طریق دبیرکل شورای اروپا شکوایی خود را به کمیسیون تحویل دهند (منبع پیشین) هنگامی که شکایتی علیه یکی از دولت‌های عضو مطرح می‌شود کمیسیون ابتدا باید بررسی کند و ببیند شکایت مزبور قابل پذیرش هست یا خیر چنانچه قابل پذیرش نبود آن را رد می‌کند (بند ۳ ماده کنوانسیون ۲۷)

ج. دیوان حقوق بشر اروپایی

به منظور تضمین رعایت تعهدات متقبل شده توسط طرف‌های معظم متعاهد در این کنوانسیون و پروتکل‌های مربوط به آن، می‌بایست یک دادگاه اروپایی حقوق بشر تاسیس شود که از این پس بعنوان "دادگاه" اطلاق می‌شود. عملکرد دادگاه مزبور باید دائمی باشد (ماده ۱۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر)

دادگاه (دیوان) اروپایی حقوق بشر نیز به عنوان نهاد نظارتی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، به منظور حمایت از قربانیان نقض حقوق بشر توسط دولت‌های عضو این کنوانسیون در سال ۱۹۵۹ تأسیس شد. صلاحیت این دادگاه بر اساس موارد مندرج در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تعیین گردید که بعدها با تصویب پروتکل‌های ضمیمه این کنوانسیون، صلاحیت این دادگاه نیز توسعه یافت. بنابراین، دادگاه صرفاً صلاحیت رسیدگی به موضوعاتی را دارد که مربوط به نقض حقوق تحت حمایت این کنوانسیون و پروتکل‌های آن می‌باشد. بر اساس کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، تنها دولت‌های عضو این کنوانسیون می‌توانند علیه دولت‌های دیگر عضو طرح دعوا کنند. اما مطابق پروتکل شماره ۹، این امکان برای افراد نیز فراهم گردید تا علیه دولت‌ها طرح دعوا کنند، مشروط بر اینکه دولت خوانده، علاوه بر عضویت در کنوانسیون، پروتکل شماره ۹ را نیز به تصویب رسانده باشد. (کرمی، ۱۴۰۱) تاکنون ۱۶ پروتکل به این کنوانسیون ضمیمه شده که مقررات این کنوانسیون را تکمیل و حقوق تحت حمایت آن را توسعه داده‌اند. در پروتکل‌های شماره ۱۳، ۱۲، ۷، ۶، ۴، ۱ تحولات ماهوی دادگاه صورت گرفته و حقوق مورد حمایت نیز توسعه یافتند (بشر ۱ مسجدی، ۱۳۹۲).

پروتکل‌های شماره ۳، ۵ و ۸ به سازمان و آئین دادرسی نهادهای کنوانسیون مربوط می‌شدند. تحولات فوق سبب شد که از سال ۱۹۸۰ به بعد تعداد دعاوی ارجاع داده شده به نهادهای کنوانسیون به طور مداوم رشد نماید و رعایت زمان رسیدگی‌ها را در محدوده زمانی قابل قبول با مشکل روز افزون مواجه کند. این مشکل با الحاق کشورهای



جدید از سال 1990 شدیدتر شد تعداد دعاوی ثبت شده سالانه در کمیسیون از ۴۰۴ مورد در سال ۱۹۸۱ به ۲۰۳۷ مورد در سال ۱۹۹۳ افزایش یافت افزایش شکایات بحث طولانی را در زمینه ضرورت اصلاح مکانیسم نظارتی کنوانسیون سبب گردید. در نهایت برای حل مشکل فوق ایجاد یک دادگاه تمام وقت مورد موافقت قرار گرفت. هدف از این اصلاحات طراحی ساختار دادگاه در جهت کوتاه نمودن مدت زمان رسیدگی و در عین حال تقویت خصیصه قضائی سیستم دادگاه بود پروتکل شماره ۱۱ برای حصول به این هدف به امضای دولتهای عضو رسید و ساختار کاملاً جدیدی را در زمینه مکانیسم اجرایی دادگاه پیش بینی نمود صلاحیت دادگاه به طور کامل اجباری شد و نقش قضائی کمیته وزیران لغو گردید و شعبه های رسیدگی افزایش پیدا کرد. دادگاه جدید اروپائی حقوق بشر پس از لازم الاجرا شدن پروتکل شماره ۱۱ (۳۱ اکتبر ۱۹۹۸) در تاریخ اول نوامبر ۱۹۹۸ شروع به کار کرد با این وجود پروتکل فوق مقرر می‌داشت که کمیسیون باید به مدت یکسال یعنی تا ۳۱ اکتبر ۱۹۹۹ جهت رسیدگی به قضایایی که قبل از لازم الاجراء شدن پروتکل قابل پذیرش اعلام شده بودند به کار خود ادامه دهد. (طباطبائی، 1382)

1. ساختار دیوان(دادگاه)

ترکیب دادگاه اروپایی حقوق بشر از چندین قاضی به تعداد کشورهای عضو شورای اروپا تشکیل می‌شود دو قاضی از یک کشور نمی‌توانند عضو دادگاه باشند (ماده ۳۸). قضات دادگاه از میان نامزدهای معرفی شده از سوی دولت‌های عضو شورای اروپا با رای اکثریت مجمع پارلمانی اروپا انتخاب می‌شوند هر دولت می‌تواند سه نامزد معرفی کند که دست کم دو نفر از آنها باید تبعه آن کشور باشند(بند ۱ ماده ۳۹) یعنی ممکن است کشوری به تبع یک کشور دیگر را نیز به عنوان نامزد خود جهت عضویت در دادگاه اروپایی حقوق بشر معرفی نماید. نامزدهای عضویت در این دادگاه باید از شخصیت والای اخلاقی برخوردار بوده و دارای صلاحیت لازم برای مناصب بالای قضایی باشند؛ یا حقوقدانانی باشند که صلاحیت آنها به رسمیت شناخته شده باشد.(بند ۳ ماده ۳۹) قضات دادگاه برای مدت ۹ سال انتخاب می‌شوند و تجدید انتخابشان بلامانع است ولی در نخستین دوره چهار تن از قضات پس از سه سال و چهار تن دیگر پس از ۶ سال به قید قرعه خارج می‌گردند و افراد دیگری به جای آنان انتخاب می‌شوند(ماده ۴۰) اعضای دادگاه بنا به صلاحیت فردی خودشان نه به عنوان نماینده دولت مطبوع انجام وظیفه می‌کنند و در طی دوره عضویت نباید شغل انتخاب کنند که با استقلال و بی‌طرفی آنان منافات داشته باشد(بند ۷ ماده ۴۰) دادگاه یک رئیس و دو نایب رئیس برای مدت ۳ سال از بین اعضای خود تعیین می‌کند (ماده ۴۱) برای رسیدگی به پرونده‌ها هر شعبه دادگاه از ۹ قاضی تشکیل می‌شود که یک عضو ثابت آن قاضی منتخب کشور مربوطه است و به قید قرعه قبل از شروع رسیدگی از سوی رئیس دادگاه تعیین می‌شود (ماده ۴۳) قضات باید قبل از شروع کار سوگند یاد نمایند که در سمت قضاوت به طور صادقانه مستقل و بی طرف انجام وظیفه خواهند کرد و راز نگهدار خواهند بود(قاعده 3 آیین کار) (طباطبائی، 1382)

د. حق بر دادرسی

حق بر دادرسی عادلانه در سیستم کنوانسیون اروپایی حقوق بشر جایگاه اساسی دارد و از عناصر بنیادین مفهوم حاکمیت قانون است. بند 1 ماده ۶ این کنوانسیون^۵ مقرر می‌دارد هر شخص در زمینه حقوق و تعهدات مدنی خود یا هر نوع اتهام جنایی علیه وی حق دارد از جلسه استماع دادرسی در مدت زمانی معقول و متعارف، در محکمه قانونی مستقل و بی طرف برخوردار باشد.(ممتاز و متوسل، 1395) نتیجه دادرسی باید به صورت عمومی اعلان

⁵ Clause 1, Article 6 of the European Convention on Human Rights.



شود. با این حال، ممکن است به دلایل اخلاقی یا برای حفظ نظم عمومی یا امنیت ملی در یک جامعه مردم سالار، که رعایت مصالح جوانان یا حفاظت از حریم خصوصی طرفهای دعوا ضروری است، یا در مواردی که به تشخیص قطعی دادگاه اعلان عمومی آن مضر مصالح عدالت شناخته میشود، مطبوعات و عموم مردم از شرکت در کل یا بخشی از جلسات محاکمه ممنوع شوند. نص این بند از کنوانسیون مبهم به نظر میرسد. زیرا هیچ اشاره صریحی به حق دسترسی به محکمه ندارد. بنابراین، میتوان چنین نتیجه گرفت که حق بر دادرسی عادلانه فوق به پرونده‌های در حال رسیدگی مربوط میشود؛ بنابراین شامل فردی نمیشود که درصدد طرح دعوا نزد محکمه است. برداشت اولیه از متن این ماده این است که در صورت طرح دعوا علیه یک فرد، وی باید از یک دادرسی عادلانه جهت دفاع از خود برخوردار باشد. اما این موضوع را که آیا میتوان از ظاهر ماده مزبور حق بر دسترسی به محکمه را برداشت کرد باید در رویه عملی دیوان اروپایی حقوق بشر جستجو کرد. (منبع پیشین) تأثیرگذارترین تصمیم دیوان در تفسیر حق بر دادرسی را در قضیه گلدنر میتوان یافت. وزارت کشور بریتانیا فردی زندانی را از تماس با وکیل، جهت طرح دعوای مدنی تهمت علیه یک مأمور زندان، منع کرده بود. دیوان در تصمیمی که میتوان آن را یکی از گام‌های موثر و سازنده محکمه را میتوان از نص بند 1 ماده 6 تفسیر کرد. بنابراین ممنوعیت خواهان از تماس با وکیل در تناقض با این ماده است. تصمیم دیوان حاکی از آن است که بند 1 ماده 6، هم به لحاظ حکمی و هم به لحاظ موضوعی، حق دسترسی به دادگاه را به فرد اعطا میکند. تفسیر موسعی که اکثریت قضات دیوان در این قضیه از ماده مزبور به عمل آوردند، تاکنون، با اعتراض هیچ یک از دول عضو روبه رو نشده است (Nedjati, 1978).

1. خلاصه تفسیر قضات

دیوان در تفسیر بند 1 ماده 6 به مواد 31 و 33 کنوانسیون 1969⁶ وین درباره حقوق معاهدات توجه کرد که دربردارنده اصول راهنما درخصوص تفسیر معاهدات بین‌المللی است. کنوانسیون یادشده در بند نخست ماده 31 مواردی را برمی شمارد که در تفسیر معاهدات باید مطمح نظر قرار گیرند؛ که عبارت‌اند از متن، سیاق، هدف، و موضوع. دیوان بیان می‌دارد که متن فرانسوی کنوانسیون معنایی موسع‌تر از متن انگلیسی آن متبادر می‌سازد. بنابراین آن دسته از دعاوی را که هنوز در محکمه‌ای مطرح نشده‌اند نیز در بر می‌گیرد.⁷

دیوان به علاوه با اشاره به قسمت ج بند 3 ماده 31 کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات را باید در پرتو دو اصل بنیادین و کاملاً شناخته‌شده حقوق بین‌الملل، افزود که ماده 6 بند 1 یعنی امکان طرح دعوای مدنی نزد قاضی و ممنوعیت استنکاف از عدالت، مدنظر قرار داد⁸ متقاعدکننده‌ترین بख رأی دیوان به شرح ذیل است «چنانچه ماده 6 بند 1 صرفاً حاکم بر دعاوی یا رسیدگی‌هایی تلقی شود که از پی در محاکم آغاز شده‌اند، آنگاه هر دولت عضو می‌تواند، بی‌آنکه مرتکب نقض ماده شود، دادگاه‌های خود را کنار بگذارد یا صلاحیت آن‌ها را در رسیدگی به برخی دعاوی مدنی از آن‌ها سلب و به ارگان‌های وابسته به دولت اعطا کند. (...). به نظر این دادگاه نمیتوان تصور کرد ماده 6 بند 1 تضمین‌های شکلی طرفین یک اختلاف در حال رسیدگی را به تفصیل شرح دهد بی‌آنکه از دولت، که محقق‌کننده آن تضمین‌هاست، حمایت نکرده باشد. ... درواقع، زمانی که هیچ رسیدگی

⁶ Human rights under the European Convention by Zaim M. Nedjati.

⁷ Vienna Convention 1969.

⁸ Golder v. the United Kingdom, 1975.

⁹ منبع پیشین



قضایی وجود نداشته باشد، دیگر مزایا، چون عادلانه بودن یا عمومی بودن یا سریع بودن رسیدگی قضایی، چه سودی دارد»^{۱۰}

در زمینه ماهیت مدنی یک حق به موجب ماده 6 بند 1 باید در نظر داشت که این ماده حق دادرسی عادلانه را درباره همه حقوق و تعهداتی که فرد ممکن است به موجب حقوق داخلی مدعی باشد تضمین نمیکند؛ بلکه، با توجه به نص این بند، مقررۀ مزبور فقط در رسیدگی به حقوق و تعهدات مدنی فرد اعمال میشود. یکی از تفاسیری می‌توان آورد این است که دامنه آن را محدود به روابط میان اشخاص خصوصی دانست. چنین تفسیری میتواند تأثیری چشمگیر بر رابطه میان مصونیت‌ها و حق دسترسی به محکمه داشته باشد. بدین صورت که از آنجا که تقریباً همه مصونیت‌هایی که در تعارض یادشده مطرح اند امتیازاتی هستند که به نهادهای عمومی اعطا میشوند ماده 6 بند 1 به هیچ روی بر چنین اختلافاتی اعمال نخواهد شد (ممتاز، 1395). زیرا اختلافات میان فرد و دولت، دیپلمات‌های دولت، اعضای پارلمان دولت، پلیس یا سازمان‌های بین‌المللی را نمیتوان در زمره اختلافات میان اشخاص خصوصی دانست. با این حال، چنین دیدگاهی از این واقعیت غافل مانده که دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی نیز در دیوان در باب این مسله مواردی چون اشخاص خصوصی ظاهر میشوند. در قضیۀ کونینگ علیه آلمان دیوان در باب این قضیه که آیا وضعیت خوانده یا عمومی یا خصوصی خوانده یک فعل بر اساس حقوق داخلی تأثیری بر ماهیت حق مزبور دارد یا خیر چنین بیان کرد: «در اختلاف بین یک فرد و یک مقام دولتی، اینکه مقام مزبور همچون شخصی خصوصی عمل کرده یا با اهلیت حاکمه خویش موثر در مقام نخواهد بود...»^{۱۱}

1. طرح شکایت و نحوه رسیدگی دادگاه

طبق ماده ۴۴ و نیز ماده ۴۸ فقط کمیسیون حقوق بشر اروپایی و دولت‌های ذیرفت حق طرح شکایت در دادگاه داشتند ولی با تصویر پروتکل نهم در ۶ نوامبر ۱۹۹۰ که در اوایل اکتبر ۱۹۹۴ قابل اجرا شد مواد ۴۴ و ۴۸ اصلاح گردید و افراد نیز حق طرح شکایت در دادگاه را دارند. بر اساس پروتکل نهم ماده ۴۴ بدین صورت اصلاح شد فقط دولت‌های عضو کمیسیون افراد سازمان‌های غیردولتی یا گروه‌هایی از افراد که طبق ماده ۲۵ در شکایت نموده‌اند حق دارند موضوع را در دادگاه مطرح نمایند در ماده ۴۸ نیز در همین رابطه اصلاح به عمل آمد و با اضافه شدن یک بند به پاراگراف اول ماده مزبور به افراد سازمان‌های غیردولتی و گروه‌های فردی نیز اجازه طرح دعوی خود را به دادگاه داده است طرح دعوی در دادگاه اروپایی حقوق بشر در صورتی موثر است که دولت مربوطه عضو کنوانسیون طی اعلامیه‌ای صلاحیت دادگاه را به رسمیت بشناسد دولت‌های عضو می‌توانند صلاحیت مطلق دادگاه را در همین موضوعات مربوط به تفسیر و اجرای مواد کنوانسیون بپذیرند. اعلامیه دولت‌ها مبنی بر به رسمیت شناختن صلاحیت دادگاه ممکن است مشروط به عمل متقابل تعدادی از دولت‌های عضو باشد همچنین ممکن است برای یک مدت معین مثلاً برای ۳ یا ۵ سال باشد (ماده ۴۶ کنوانسیون مربوطه) بیشتر دولت‌های عضو کنوانسیون صلاحیت دادگاه را به رسمیت شناختند ولی بسیاری از زن‌ها صلاحیت دادگاه را برای مدت معین که معمولاً ۳ تا ۵ سال است به رسمیت شناختند و معمولاً در پایان مدت آن را تمدید می‌کنند. (BUERGENTHAL, 1995) با اینکه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در سال ۱۹۵۳ مرحله اجرا درآمد ولی دادگاه حقوق بشر تا سال ۱۹۵۹ تاسیس نشد و

¹⁰ منبع پیشین

¹¹ (Konig v. Germany, 1980).



علت آن هم این بود که طبق ماده ۵۶ کنوانسیون انتخاب اعضای دادگاه هنگامی می‌توانست صورتی را که دست کم ۸ دولت عضو طبق ماده ۴۶ صلاحیت دادگاه را به رسمیت بشناسد.

مستقیماً به ابتدا به ساکن نمی‌توان دعوی را در دادگاه حقوق بشر مطرح کرد بلکه باید اول دعوی در کمیسیون مطرح شده و کمیسیون پس از رسیدگی به عدم توفیق خود در دستیابی به راه حل دوستانه اعتراف نمایند؛ ثانیاً ظرف سه ماه از تاریخ تسلیم گزارش عدم موفقیت مزبور به کمیته وزرا باید دعوی در دادگاه مطرح شود چنانچه ظرف سه ماه در دادگاه طرح شکایت نشود طبق ماده ۳۲ که قبلاً توضیح داده شد کمیته وزرا رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کنند. ماده ۴۷ کنوانسیون می‌گوید: «دادگاه فقط بعد از آنکه کمیسیون اعلام کرد تلاش‌هایش برای دستیابی به حل دوستانه موضوع بی‌نتیجه بوده می‌تواند وارد رسیدگی به دعوی شود مشروط بر اینکه ظرف مدت سه ماه مقرر در ماده ۳۲ دعوی در دادگاه مطرح شود ماده ۴۹ کنوانسیون در صورت بروز اختلاف در خصوص صلاحیت دادگاه مسئله با تصمیم دادگاه حل خواهد شد. دادگاه طبق قواعد و مقرراتی که خود برای نحوه رسیدگی تعیین می‌کند یعنی ماده ۵۵ کنوانسیون به موضوع رسیدگی کرده و حکم لازم را صادر می‌نماید (مهرپور، ۱۳۹۷).

2-1. آیین دادرسی

آیین دادرسی در دادگاه حقوق بشر اروپا عام و توافقی است و جلسه رسیدگی در تعداد کمی از پرونده‌ها برگزار می‌شود که به طور علنی می‌باشد مگر اینکه رئیس کل شعبات دادگاه به علت استثنایی بودن شرایط آن را غیر علنی اعلام کند یا داداشتها لوایح و سایر اسنادی که طرفین به بایگانی دادگاه می‌دهند اصولاً در دسترس مردم قرار خواهد گرفت متقاضیانی که شخص حقیقی هستند می‌توانند اصالتاً در جلسات دادگاه پرونده خود حضور یابند هرچند که بدان‌ها توصیه می‌شود که وکیل بگیرند و در واقع معمولاً به محض اینکه درخواست را به دولت خوانده ابلاغ کردند این امر (داشتن وکیل) لازم می‌آید (زررخ، ۱۳۸۶).

هرچند که شورای اروپا طرحی را برای معاضدت قضایی به مراجعانی که امکانات مالی لازم برای گرفتن وکیل ندارند پیش بینی کرده است. زبان رسمی دادگاه انگلیسی و فرانسه است اما تقاضاها و درخواست‌ها را می‌توان به یکی از روان رسمی دولت متعاقد ارائه کند؛ مگر اینکه رئیس کل شعبات دادگاه به کاربردن زبانی را که درخواست با آن ارائه شده است تجویز نماید. (همان منبع)

الف- درخواست رسیدگی

در شکایات بین دولتی که بر اساس ماده ۳۳ کنوانسیون اقامه می‌گردد، شعبه مربوطه از قضات خود یک یا چند قاضی گزارشگر تعیین خواهد کرد تا در خصوص قابل پذیرش بودن دعوا به شعبه گزارش دهند (قاعده ۴۸ آیین کار) هر شکایت فردی که بر اساس ماده ۳۴ کنوانسیون به دادگاه ارسال می‌گردد به یک بخش ارجاع می‌شود و رئیس بخش یک قاضی گزارشگر تعیین می‌کند. پس از بررسی اولیه گزارشگر تصمیم می‌گیرد که آیا قضیه باید توسط اعضای کمیته سه نفره یا توسط شعبه مورد رسیدگی قرار گیرد (قاعده ۴۹ آیین کار). کمیته صلاحیت دارد که با اتفاق آرا قضیه ای را غیر قابل پذیرش اعلام نماید یا تصمیم بگیرد که قضیه ای بدون رسیدگی بیشتر از لیست دعاوی خارج شود. تصمیم کمیته قطعی خواهد بود (ماده ۲۸ کنوانسیون و قاعده ۵۳ آیین کار). (طباطبایی، ۱۳۸۲) ماده ۳۵ کنوانسیون شرایطی را برای قابل پذیرش بودن دعاوی تعیین می‌نماید که به طور خلاصه عبارت است از:



۱. باید بر طبق اصول شناخته شده حقوق بین الملل مرحله قضایی در داخل کشور عضو به اتمام رسیده باشد و خواهان در فاصله زمانی ۶ ماه از اتمام رسیدگی ملی دادخواست خود را تحویل دادگاه نماید
 ۲. موضوع دعوا قبلاً توسط دادگاه مورد رسیدگی قرار نگرفته باشد و یا به نهادهای تحقیق یا حل و فصل بین المللی ارجاع نشده باشد مگر اینکه دادخواست اطلاعات و حقایق جدیدی را شامل شود
 ۳. در محدوده و مرتبط با حقوق مندرج در کنوانسیون و پروتکل های ضمیمه باشد. (طباطبائی، ۱۳۸۲)
- اولین مرحله رسیدگی عموماً به صورت کتبی است. با این وجود شعبه ممکن است تصمیم به رسیدگی حضوری نمایند. تصمیمات شعبه ها در مورد قابل پذیرش بودن دعاوی با اکثریت نسبی آراء اتخاذ میشود و باید در برگیرنده مستندات تصمیم و به صورت علنی باشد (قواعد ۵۴ و ۵۶ آیین کار).
- این موارد در شعب رسیدگی می شود: ۱. درخواست های منفرد افراد که کمیته آنها را مردود اعلام نکرده باشد ۲. درخواست هایی که گزارشگر آن را مستقیماً به شعب ارجاع داده است درخواست هایی که از سوی دولت متعاقد ارائه می شود شعبات دادگاه ها در خصوص صدور قرار قبولی درخواست و نیز در ماهیت دعوا به طور جداگانه رسیدگی می کنند گرچه اگر مناسب بدانند هر دو را توأمان رسیدگی می کنند. (زرخ، ۱۳۸۶).
- آیین رسیدگی در مرحله ماهوی به این صورت است که شکایات فردی که توسط کمیته غیر قابل پذیرش اعلام نشده اند یا شکایاتی که مستقیماً توسط گزارشگر به یک شعبه ارجاع شده است و هم چنین شکایات دولتی توسط شعبه مورد رسیدگی قرار میگیرد شعبه های دادگاه هم در هر مرحله از رسیدگی می توانند دعوایی را غیر قابل پذیرش اعلام نموده و آن را از لیست دادگاه خارج سازند (قاعده ۵۴ آیین کار) آنها می توانند قابل پذیرش بودن و ماهیت دعوا را یک جا رسیدگی کنند قاعده ۵۴ (الف) آیین کار) اگر شعبه ای تصمیم به قابل پذیرش بودن دعوا در دادخواست فردی بگیرد، ممکن است از طرفین بخواهد تا دلائل و ملاحظات کتبی بیشتری را به دادگاه تحویل دهند، از جمله هر نوع ادعای جبران خسارت عادلانه توسط خواهان شعبه همچنین ممکن است در هر مرحله رسیدگی ماهوی تصمیم بگیرد که از طرفین بخواهد در یک جلسه علنی استماع حاضر شوند (قواعد ۵۹ و ۶۰ آیین کار). کشور عضوی که تبعه اش به عنوان خواهان دعوا محسوب میگردد مجاز است در دعوا وارد شود. رئیس شعبه ممکن است در جهت اجرای بهتر عدالت از کشور عضوی که از طرفین دعوا نیست یا از هر شخص ذیربطی که خواهان نمیشد بخواهد تا نظرات کتبی خود را به دادگاه ارائه دهند و در شرایط استثنائی در جلسه استماع شرکت کنند ماده ۳۶ کنوانسیون هر گاه هر یک از شعبه ها در رسیدگی احساس نمایند که دعوایی اعم از بین دولتی یا فردی به تفسیر یا اجرای کنوانسیون یا پروتکل های ضمیمه مربوط میشود یا صدور رأی در خصوص آنها ممکن است مغایر با آرای قبلی دادگاه باشد. (طباطبائی، ۱۳۸۲) در هر مرحله از رسیدگی و در صورت عدم اعتراض خواهان میتوانند به نفع شعبه عالی از صلاحیت خود صرف نظر نمایند اگر یکی از طرفین دعوا تا یکماه از اعلام نظر شعبه مبنی بر رد صلاحیت خود اعتراض کند شعبه مجاز به عدول از صلاحیت خود نمیشد. ماده ۳۰ کنوانسیون و (قاعده ۷۲ آیین کار)

ب. سازش و توافق

توافق در پرونده به این شکل است: پس از اعلام قابل پذیرش بودن دعوا و در طول رسیدگی ماهوی تماس با طرفین و مذاکرات با میانجیگری رئیس دفتر به منظور حصول راه حل دوستانه صورت می پذیرد. این مذاکرات محرمانه



میباشند و مواضع و گفتگوهای طرفین در این فرآیند قابل استناد در رسیدگی ترافیعی نخواهد بود پیگیری راه حل مسالمت آمیز تأثیری در حقوق طرفین در رسیدگی اصلی ترافیعی نخواهد داشت (ماده ۳۸ کنوانسیون و قاعده ۶۲ آیین کار).

ج. تحقیقات

شعبه های دادگاه ممکن است در صورت تقاضای طرفین دعوا یا با ابتکار خود انجام تحقیقاتی را برای روشن شدن حقایق دعوا تصویب نموده یا از طرفین دعوا درخواست ارائه دلایل مستند را کنند یا از شهود یا کارشناسان استفاده نمایند قاعده الف (۱)، ضمیمه به آیین کار دادگاه خواهان و هر کشور عضو موظف میباشند هر نوع کمک لازم را برای انجام تحقیقات ارائه نمایند. کشورهای عضو باید با نمایندگان دادگاه که برای تحقیقات انجام وظیفه می کنند همکاری نموده و آزادی رفت و آمد و ترتیبات امنیتی لازم را برای خواهان شاهدان و کارشناسان فراهم نمایند (قاعده الف (۲) ضمیمه به آیین کار دادگاه)

رای دادگاه و اعتبار اجرایی آن

دادگاه پس از رسیدگی اگر به این نتیجه رسید که تصمیم یا اقدام انجام شده از سوی مقامات دولت عضو کلاً یا بعضاً مغایر با تعهدات ناشی از مزبور را پیش بینی کرده باشد حکم می دهد که باید رضایت کامل شخص آسیب دیده تحصیل شود (ماده ۵۰ کنوانسیون)

طبق ماده ۵۱ کنوانسیون حکم دادگاه باید همراه با دلیل باشد و در صورتی که نسبت به تمام حکم یا قسمتی از آن اتفاق آرای قضات وجود نداشته باشد هر قاضی نظر خود را به جداگانه مرقوم می دارد (مهرپور ۱۳۹۷) به موجب ماده ۵۲ حکم دادگاه قطعی است و دولت های عضو کنوانسیون ملزم هستند از حکم صادره از دادگاه اطاعت کنند و آن را اجرا نمایند حکم دادگاه به کمیته وزرا ارسال می شود و کمیته مزبور برای اجرای حکم نظارت می نمایند. (مهرپور ۱۳۹۷)

دادگاه اروپایی حقوق بشر از زمان ایجاد خود تاکنون بیش از ۴۰۰ پرونده را رسیدگی کرده و حکم داده و هم اکنون برای کشورهای اروپایی حکم دادگاه قانون اساسی را در رابطه با حقوق مدنی و سیاسی اروپا دارد. بیشترین موضوعات مطروحه در دادگاه مربوط به اجرای ماده ۵ کنوانسیون راجع به حق آزادی و امنیت شخصی و ماده ۶ مربوط به حق محاکمه عادلانه بوده است. (منبع پیشین)

طبعاً نظریات و آراء دادگاه عملاً ایجاد سابقه و تفسیر قانونی می نماید و در رسیدگی های بعدی و مشابه مورد توجه قرار می گیرد (BUERGENTHAL.1995)

تصمیمات در شعبه های دادگاه با اکثریت نسبی آراء اتخاذ میگردد. هر قاضی ای که در رسیدگی دعوا شرکت داشته باشد مجاز است تا دیدگاه مستقل خود را بصورت موافق یا مخالف تصمیم دادگاه ضمیمه رأی نماید. اگر دعوا با یک مسأله جدی در زمینه تفسیر یا اجرای کنوانسیون یا با یک موضوعی که از اهمیت عمومی برخوردار است



ارتباط داشته باشد، هر یک از طرفین دعوا سه ماه از تاریخ صدور رأی فرصت دارند تا از شعبه عالی درخواست استیناف نمایند چنین درخواستهایی توسط یک گروه پنج نفری قضات عضو شعبه عالی متشکل از رئیس دادگاه و رؤسای بخشهای چهارگانه دادگاه مورد رسیدگی قرار میگیرد. به عبارت دیگر بر اساس مواد ۴۲ و ۴۴ کنوانسیون آرای صادره توسط شعبه ها در سه حالت به شرح زیر قطعی می گردد:

۱. از گذشت سه ماه و عدم درخواست تجدید نظر توسط طرفین دعوا

۲. انقضای سه ماه مشروط به اینکه طرفین دعوا اعلام کنند که قصد درخواست تجدید نظر ندارند.

۳. گروه پنج نفری قضات عضو شعبه عالی درخواست تجدید نظر را رد کنند.

اگر گروه پنج نفری درخواست تجدید نظر را بپذیرند شعبه عالی تصمیم خود را در مورد دعوا به صورت رأی اعلام میکند در این مورد شعبه عالی رأی خود را با اکثریت نسبی آراء اتخاذ میکند و این رأی نهائی و قطعی تلقی میگردد تمام آرای نهائی شعبه ها و شعبه عالی باید انتشار یابد. بر اساس ماده ۴۳ کنوانسیون گروه پنج نفری قضات در صورتی تقاضای استیناف را می پذیرد که تشخیص دهد تقاضا به یک امر جدی در خصوص تفسیر یا اعمال کنوانسیون و پروتکلهای ضمیمه ارتباط دارد و یا مسأله جدی را که دارای اهمیت اساسی است طرح می نماید. دادگاه در جهت رعایت عدالت قضایی علاوه بر حق استیناف برای طرفین دعوا حق درخواست تفسیر رأی و اعاده دادرسی را نیز به رسمیت شناخته است. بر اساس قاعده ۷۹ آیین کار هر یک از طرفین دعوا میتوانند ظرف مدت یکسال از صدور رأی درخواست تفسیر رای نمایند. همچنین بر اساس قاعده ۸۰ آیین کار هر یک از طرفین دعوا می توانند تا مدت یکسال از صدور رأی درخواست رسیدگی مجدد را از دادگاه بکنند مشروط بر اینکه یک امر مهم که تأثیر اساسی بر رأی دادگاه داشته باشد کشف شود که در زمان صدور رأی هم بر دادگاه و هم بر متقاضی اعاده دادرسی مجهول مانده باشد. رأی صادره به زبان انگلیسی یا فرانسه خواهد بود مگر اینکه دادگاه تصمیم بگیرد که به هر دو زبان صادر شود قاعده ۷۶ آیین کار) آراء دادگاه نسبت به دولتهای خوانده ذیربط الزام آور می باشد. مسولیت نظارت بر اجرای احکام به عهده کمیته وزرای شورای اروپا میباشد. بنابراین در صورت احراز نقض کنوانسیون کمیته وزیران باید بررسی کند که آیا اقدامات جبرانی کافی در جهت رعایت تعهدات خاص و عام ناشی از آرای دادگاه توسط دولت ذیربط اتخاذ گردیده است. (طباطبایی، ۱۳۸۲)

رای مشورتی دیوان(دادگاه)

در صورت تقاضای کمیته، وزیران دادگاه میتواند آراء مشورتی در خصوص موضوعات حقوقی مربوط به تفسیر کنوانسیون و پروتکلهای ضمیمه ارائه دهد اما در خصوص اصل یا محدوده حقوق و آزادیهای مندرج در بخش اول کنوانسیون و پروتکلهای ضمیمه امکان درخواست رای مشورتی وجود ندارد تصمیمات کمیته وزیران برای درخواست رأی مشورتی از دادگاه با اکثریت نسبی آراء اتخاذ میگردد ماده ۴۷ کنوانسیون در صورت تردید در صلاحیت دادگاه خود مرجع تصمیم گیرنده خواهد بود ماده ۴۸) کنوانسیون و با فرض رد صلاحیت دادگاه باید دلایل خود را در این خصوص ذکر نماید (قاعده ۸۷ آیین کار) آرای مشورتی با اکثریت نسبی آرای قضات شعبه عالی دادگاه ارائه میشود بند اول ماده ۸۸ آیین کار دادگاه و هر قاضی میتواند دیدگاه مستقل یا دلیل مخالفت خود با رأی مشورتی را در رای صادره بیان کند و یا به طور جداگانه ضمیمه رأی نماید (بند ۲ ماده ۴۹ کنوانسیون و بند ۲ قاعده ۸۸ آیین کار).



بررسی عملکرد دیوان (دادگاه) در رویه و برخی پرونده های مهم در این قسمت به لحاظ نحوه ورود و دیدگاه های حاکم بر استدلال های حقوقی و سیاسی دیوان پاسخ به پرسش های که در این پژوهش سعی شده پاسخ داده شود ضروریست در ادامه با برخی از پرونده ها و برخورد دیوان را مورد بررسی قرار می دهیم.

1_ 3. روند دعوی و استدلال دیوان در خصوص نقض مواد ۸، ۹ و ۱۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر پرونده لایلا شاهین علیه ترکیه (2005)

خواهان لایلا شاهین دعوی را با ادعای اینکه حقوق او به موجب مواد ۸، ۹ و ۱۴ کنوانسیون حمایت از حقوق آزادی های اساسی و ماده ۲ پروتکل شماره ۱ این کنوانسیون با عمل دولت ترکیه طی تصویب مقرراتی در خصوص پوشش اسلامی در آموزش عالی نقض شده است در دیوان مطرح نمود^{۱۲}. خواهان متولد ۱۹۷۳ بود و از سال ۱۹۹۹ که استانبول را به قصد تحصیلات پزشکی در دانشکده پزشکی دانشگاه وین ترک کرد در وین ساکن بوده است او از یک خانواده سنتی و مذهبی اسلامی بود که از جمله در خصوص تکلیف دینی او به پوشیدن حجاب اسلامی سخت گیری می نمودند^{۱۳}. لایلا در ۲۶ آگوست ۱۹۹۷ هنگامی که پنجمین سال از تحصیل خود را در دانشکده پزشکی دانشگاه بورسا می گذراند در دانشکده پزشکی کراه پاشا در دانشگاه استانبول نام نویسی کرد. وی می گفت که در تمام طول این ۴ سال گذشته دانشگاه بورسا تحصیل می کرد است همواره حجاب بر سر داشته است (قاسم زمانی ۱۳۹۳).

پس از آن آیین نامه توسط نایب رئیس دانشگاه استانبول در ۲۳ فوریه ۱۹۹۸ صادر شد که مقرر می داشت؛ «با توجه به اینکه قانون اساسی قوانین عادی و مقررات و نظر به رویه قضای دادگاه عالی اداری و کمیسیون اروپایی حقوق بشر و تصمیمات صادره توسط دانشگاه دانشجویانی که حجاب اسلامی بر سر می کنند و دانشجویانی که ریش دارند دیگر اجازه تحصیل و گذراندن دوره یا تدریس ندارند در نتیجه نام و شماره هر دانشجویی که ریش یا حجاب اسلامی داشته باشد دیگر وارد لیست دانشجویان ثبت نام شده نخواهد شد. بنابراین دانشجویانی که قصد تحصیل یا ورود به کلاس های درس دارند و نام و شماره آنان در لیست موجود نمی باشد بایستی موقعیت و وضعیت خود را اعلام دارند و استاد مربوطه می تواند آنها را از جلسه اخراج کند و این دانشجویان نمی توانند از این کار امتناع ورزند»^{۱۴}.

در ۱۲ مارس ۱۹۹۸ خواهان دعوا به موجب این آیین نامه و به این دلیل که وی حجاب اسلامی بر سر داشت توسط مراقبان از ورود به جلسه امتحان منع شد ۲۰ مارس ۱۹۹۸ دبیر کرسی علم ارتوپد اجازه نام نویسی را به او به دلیل داشتن حجاب نداد در ۱۶ آپریل ۱۹۹۸ اجازه ورود به درس عصب شناسی را نیافت و در ۱۰ ژانویه ۱۹۹۸ از شرکت در امتحان درس بهداشت عمومی منع شد^{۱۵}. خواهان در ۲۹ جولای ۱۹۹۸ دادخواستی مبنی بر القاء آیین نامه ۲۳ فوریه ۱۹۹۸ به دادگاه اداری استانبول داد و مدعی نقض حقوق خود به موجب مواد ۸، ۹ و ۱۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده ۲ پروتکل شماره ۱ آن شد. این دادگاه در حکم مورخ ۱۹ مارس ۱۹۹۹ دعوا را به استناد بخش ۱۳ ب قانون تحصیلات عالی مبنی بر اینکه نایب رئیس دانشگاه به عنوان نهاد

leyla sahin v. turkey 2005.¹²

leyla sahin v. turkey 2005.¹³

منبع پیشین.¹⁴

منبع پیشین.¹⁵



اجرای دانشگاه اختیار تنظیم مقررات مربوط به پوشش دانشجویان را به منظور حفظ نظم دارد رد نمود) قاسم زمانی. ۱۳۹۳) در ۱۹ آپریل ۲۰۰۱ نیز دادگاه عالی اداره تجدید نظرخواهی خواهان را رد کرد.^{۱۶}

به استناد ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر خواهان بیان داشت که ممنوعیت پوشش اسلامی در موسسات آموزش عالی منجر به دخالتی غیر مشروع در حق او بر آزادی دین و به طور خاص حق بود در اظهار دین شده است. شعبه دیوان در می‌یابد که مقررات دانشگاه استانبول حق بر پوشش حجاب اسلامی خواهان را محدود نموده و همچنین اقدامات اتخاذ شده دخالت در حق خواهان در اظهار دین خود می‌باشد. اما دیوان بر این عقیده است که دخالت مزبور به موجب قانون بوده است. به زعم دیوان این عمل در راستای اهداف تعقیب شده که برای یک جامعه دموکراتیک ضروری است توجیه می‌شود.^{۱۷} در نهایت دیوان به این نتیجه می‌رسد که دخالت انجام شده در قبال اهداف مشروع قابل پذیرش و توجیه بوده و در نتیجه نقض ماده ۹ کنوانسیون به وقوع نپیوسته است. خواهان مدعی نقض نخستین جمله ماده ۲ پروتکل شماره ۱ شده است که بیان می‌دارد «هیچکس را نمی‌توان از حق آموزش محروم نمود» (قاسم زمانی. ۱۳۹۷) دیوان ابتدا قابلیت اعمال این ماده را در پرونده حاضر مورد بررسی قرار می‌دهد و پاسخی مثبت می‌دهد در خصوص این ماده دیوان به این نتیجه می‌رسد که که محدودیت‌های موضوع این پرونده به جوهر و ذات حق آموزش خواهان لطمه‌ای وارد نمی‌سازد و در نهایت پیام می‌دارد که این ماده نقض نشده است.^{۱۸}

خواهم با این استدلال که مقررات مورد اعتراض وی به حق او در احترام به زندگی خصوصی و آزادی بیان تجاوز نموده و این عمل تبعیض آمیز بوده است ادعای نقض مواد ۸، ۱۰، ۱۴ کنوانسیون را داشت اما دیوان هیچ کدام از این یک موارد مواد را نقض شده نمی‌بیند به نظر دیوان در خصوص مواد ۸، ۱۰ استدلال‌های ارائه شده توسط خواهان صرفاً تکرار ادعای او به موجب ماده ۹ کنوانسیون و ماده ۲ پروتکل بوده و نه چیز جدیدی^{۱۹}

باید اذعان داشت که در اروپا، در خصوص ادعاهای نقض حقوق دینی، عملکرد دوگانه دیوان اروپایی حقوق بشر و کمیسیون اروپایی حقوق بشر، گاه به وضوح مشهود است. این مراجع به خصوص در پرونده‌های مربوط به تبعیض‌های مبتنی بر عقیده و دین و یا حق‌های دینی، بدون تردید دچار تشویش و پراکندگی رفتاری اند و نتوانسته‌اند آنگونه که باید منصفانه عمل کنند. شاید دلیل این دوگانگی‌ها، سلطه‌ی مسیحیت بر این دیوان، هم در سطح ساختار دیوان و هم در اعضای کنوانسیون اروپایی حقوق بشر باشد این گونه به نظر می‌رسد که این سلطه، قدرت شنیدن ندای مخالفی که از ادیان دیگر برم یخیزد را تنزل بخشیده است. هما‌نطور که یکی از قضات این دیوان می‌گوید: دیوان نتوانسته است در مواجهه با قضایایی که به تعارض میان جوامع دینی مربوط می‌باشد همیشه محدودیت‌های قضایی مشابهی را مقرر دارد هرچند دیوان و کمیسیون اروپایی حقوق بشر در توجیه تصمیمات خود، به مواد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر استناد جسته و تحت لوای استثنائات و مجوزهایی که این کنوانسیون مهیا ساخته است اقدام به مشروع جلوه دادن عمل خود نموده‌اند، اما نظر به امکان تفسیر موسع از چنین موادی و ظرفیت گسترده‌ی آنها در تعبیر متنوع، به خصوص در برخورد دولت‌ها با پیروان اسلام مشاهده می‌شود که به راحتی حق‌های مورد ادعای خواهان‌ها را در پرتو استثنائات به ظاهر مشروع به رسمیت نشناخته‌اند. (قاسم زمانی. ۱۳۹۳) این درحالیست که در مواردی که خواهان پرونده مسیحی بوده است یا در مواردی یهودی، دیوان یا کمیسیون به راحتی حق مورد ادعای آنها را

¹⁶. منبع پیشین

¹⁷. منبع پیشین

¹⁸. leyla sahin v. Turkey .para.161-162.

¹⁹. leyla sahin v. Turkey ,para .164.



نقض شده دانسته و دولت مربوط را محکوم نموده است شاید تنها عامل تمایز قائل شدن میان این پرونده های به ظاهر مشابه، دین نباشد اما حداقل در ظاهر امر نمی توان تمایز عمده تری در پرونده های مزبور یافت. نه تنها در خصوص اسلام، بلکه هر جا یهودیت در مقابل مسیحیت قرارم بگیرد نیز این آشفتگی به بار می آید. نمونه آن را می توان در پرونده فرانسیسکو سیسه علیه ایتالیا دید.^{۲۰}

منصرف از بحث مذهب محسوب شدن یا نشدن این فرقه، می بینیم که رویه دیوان و کمیسیون اروپایی حقوق بشر به شدت در جهت مخالفت با نشر و گسترش این شاخه از دین مسیحیت بوده و با پیروان آن نیز به همین طریق رفتاری خصمانه دارد این برخورد به دو جهت قابل تأمل است: اولاً اینکه این برخورد شدید اگر به این علت باشد که پیروان این عقیده، شاخه ای به زعم آنان منحرف از مسیحیت هستند، چرا مراجع مزبور خود نشان نمی دهند. ثانیاً، این برخورد شدید دیوان و کمیسیون اروپایی درحالی است که نهاد مشابه آن ها در قاره ی آفریقا، رویه ای دقیقاً عکس دارد. کمیسیون آفریقایی حقوق بشر در پرونده های به صراحت (شاهدان یهود) را به موجب ماده 8 منشور بانجول مورد حمایت قرار می دهد در این پرونده که ادعای تعقیب، بازداشت خودسرانه و دستگیری و ممانعت از دستیابی به آموزش در حق پیروان این عقیده مطرح شده بود، کمیسیون این اعمال را نقض ماده 8 منشور آفریقایی و حق بر آزادی دین دانست.^{۲۱} به هر حال، درک این رویکرد قدری دشوار مینماید که در موضوعات تقریباً یکسان، در پرونده های حق پوشش حجاب اسلامی که از ضروریات دینی است را دیوان تأیید نمیکند و به تبع این عدم شناسایی قربانی نقض مزبور از حق بنیادین آموزش محروم می شود (قاسم زمانی، 1397).

اما در موردی مشابه، منع خواهان از آویختن صلیب بر گردن را نقض حق بر آزادی دین می داند.^{۲۲} یا گذراندن یک واحد اجباری در مدرسه را در تعارض با ماده 2 پروتکل اول به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر یعنی حق بر آموزش می داند. (Folgerø and others v. Norway) اما اخراج شدن از دانشگاه را خیر اینجاست که با قاضی تولکنز (قاضی دیوان حقوق بشر اروپایی) هم نظر می شویم گفت که گفت دیوان در برخورد با حقوق دینی نتوانسته است یکسان عمل کند این عدم تشابه و تناقض رویه ای در خصوص پرونده های مشابهی که خواهانها پیرو یک دین بوده اند نیز قابل مشاهده است (قاسم زمانی، 1393).

4-1. برخی از پرونده ها در خصوص نقض ماده 2 و 3 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر برخورد و استدلال دیوان

در پرونده کونتروا علیه اسلواکی^{۲۳} متقاضی زنی است که از سوی همسرش مورد خشونت جسمی و روانی قرار گرفته و هر دو فرزند متقاضی قربانی خشونت خانگی شده اند و زنجیره سهل انگاری در قوانین داخلی منجر به کشته شدن این دو کودک توسط پدرشان شده است.^{۲۴}

خشونت شخص حقوقی حقوق خصوصی است دادگاه با رد ادعای دولت اسلواکی مبنی بر اینکه این دولت مطابق استانداردهای کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که حق حیات را صرفاً تنظیم قاعده مند میکند و الزامی به حفاظت فیزیکی از جان اشخاص ندارد و متقاضی طبق قوانین داخلی مستحق دریافت خسارات غیرمادی نیست، حکم داد که نقض ماده ۱۳ کنوانسیون حقوق بشر اروپایی که حق استفاده از حقوق مؤثر داخلی است.

Case of Francesco Sessa v. Italy.²⁰

Free Legal Assistance Group and Others v. Zaire, African Commission on Human and Peoples' Rights, 1995: para.²¹

(Eweida and others v. The United Kingdom, 2013, para.²²

Kontrova v. Slovakia.²³

Judgment of the ECtHR of 31 May 2007, 7-14.²⁴



در رابطه با قضیه صورت گرفته و دولت اسلواکی مسئول است.^{۲۵} همچنین در این رأی وقوع خشونت خانگی به طور واضح تأیید شده است.

در پرونده بواکوا علیه بلغارستان^{۲۶} متقاضیان یک زن و پسر خردسال او هستند. ادعاهای مطرح شده توسط زن در رابطه با خود به اشکال خشونت روانی، جسمی و اقتصادی از جمله استفاده از الفاظ توهین آمیز همسرش علیه وی، ضرب و شتم و مشارکت ندادن در بودجه خانواده مربوط می شود. دادگاه اروپایی حقوق بشر بررسی خود را در چارچوب حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی انجام داد و اظهار داشت که این حق شامل حق حمایت از تمامیت جسمی و روحی افراد و سایر منافع قانونی است. دادگاه اعلام کرد که مقامات بلغارستان تعهدات مثبت دولت عضو طبق ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را نقض کرده اند. زیرا ادعاهای متقاضی در مورد شوهرش در حقوق داخلی به درستی برآورده نشده و مورد حمایت قرار نگرفته است. (محمودی ۱۴۰۰).

ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بیان می دارد: ۱. هر کسی از حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی، خانه و مراسلاتش برخوردار می باشد.

۲. در اجرای این حق، نمی بایست هیچ مداخله ای توسط مقامی دولتی صورت گیرد؛ به استثنای آنچه که مطابق با قانون است و در یک جامعه مردمسالار، به دلایل امنیت ملی، امنیت عمومی یا رفاه اقتصادی کشور، به منظور جلوگیری از بی نظمی یا ارتکاب جرم، به منظور حفاظت از بهداشت و اخلاقیات، یا به منظور حفاظت از حقوق و آزادی های دیگران؛ ضروری می باشد. (ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر). لازم است تأکید شود که یکی از ادله مورد استفاده بلغارستان در این پرونده این است که موضوع پرونده یعنی خشونت متقاضی توسط همسرش یک امر خصوصی است. دادگاه اروپایی حقوق بشر به هیچ وجه این استدلال را نپذیرفت و اعلام کرد که چنین استدلالی با تعهدات کشورهای عضو طبق ماده ۸ مغایرت دارد و بدین ترتیب مقامات بلغارستان را مسئول دانست (محمودی ۱۴۰۰).

یکی دیگر از موارد خشونت خانگی پرونده برانکو تو ماشیچ علیه کرواسی^{۲۷} است که قربانیان آن نوزاد و زنی بودند که نوزاد توسط پدرش و زن توسط شوهرش کشته شده اند. دادگاه اروپایی حقوق بشر در بررسی ماهوی خود اعلام کرد که ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که حق حیات را مورد شناسایی قرار میدهد بیان کرده است که دولتهای عضو موظف به حمایت از جان افراد در برابر اعمال مجرمانه سایر اشخاص حقوقی حقوق خصوصی هستند. دادگاه تصمیم گرفت که نقض ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به این دلیل که مقامات کرواسی به تعهدات خود در پرونده حاضر عمل نکرده اند صورت گرفته است بنابراین در این پرونده مقامات کرواسی مسئول دانسته شدند^{۲۸}.

یکی دیگر از پرونده های خشونت خانگی که توسط دادگاه حقوق بشر اروپا درباره آن تصمیم گیری شده پرونده اوگوز علیه ترکیه است^{۲۹} که ترکیه مخاطب آن می باشد. در پرونده مورد بحث متقاضی زنی است که سالها به همراه مادرش مورد خشونت خانگی شوهرش قرار گرفته است. متقاضی و مادرش بارها مورد خشونت و تهدید شریک زندگی خود قرار گرفته اند و او شکایات متعددی را نزد مقامات کشور ترکیه تسلیم کرده است

^{۲۵} منبع پیشین

^{۲۶} (Bevacqua and s . v . Bulgaria).

^{۲۷} Branko Tomasic.v.croatia.

^{۲۸} Judgment of the ECtHR of 15 January 2009, 29, 50-51, 61.

^{۲۹} (Opuz v. Turkey).



(محمودی. 1400). اما رسیدگی نکردن مسئولان به شکایات مورد نظر با جدیت لازم و یک سری سهل انگاری ها زمینه را برای قتل مادر زن توسط شوهر فراهم کرده است. دادگاه اروپایی حقوق بشر نقض ماده ۲ را که حق حیات را در زمینه قتل مادر متقاضی شناسایی می کند و نقض ماده ۳ را که منع شکنجه و بدرفتاری را به دلیل کوتاهی مقامات برای محافظت از زن در برابر خشونت شوهرش مشخص می کند مورد حکم قرار می دهد.^{۳۰} آنچه در این پرونده قابل توجه می باشد این است که برای اولین بار در یک پرونده خشونت خانگی دادگاه حقوق بشر اروپا نقض ماده ۱۴ را که منع تبعیض را شناسایی میکند در ارتباط با مواد ۲ و ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تشخیص داده است. دادگاه حقوق بشر اروپا خاطرنشان کرد که داده های آماری ارائه شده توسط متقاضی که دولت خوانده اعتراضی به آن نداشته است. نشان می دهد که خشونت خانگی بیشتر زنان را در ترکیه تحت تأثیر قرار می دهد و انفعال عمومی و تبعیض آمیز قوه قضاییه فضایی را ایجاد میکند که منجر به ادامه زندگی خانگی زنان تحت خشونت میشود. دادگاه اعلام کرد که نقض ماده ۱۴ در ارتباط با مواد ۲ و ۳ وجود داشته که بیان میکند خشونت تحمل شده توسط متقاضی و مادرش جنسینی بوده است و خشونت مبتنی بر جنسیت نوعی تبعیض علیه زنان است (محمودی. 1400).

دعوی دیگری که دولت اسلواکی مخاطب آن قرار داده شده^{۳۱} به تقاضای یک مادر و سه فرزند او مطرح شده است. مادری پس از ترک همسرش شکایتی را به مقامات اسلواکی ارائه کرد و مدعی شد که شوهرش او را تهدید کرده و یکی از دخترانش را مورد آزار و اذیت جنسی قرار داده است. او از دادگاه محل درخواست صدور دستور اخراج شوهرش از منزلی را که با هم زندگی میکردند مطرح کرد اما این درخواست به دلیل اینکه دادگاه اختیار محدود کردن حق استفاده از اموال را نسبت به هیچ شخصی ندارد. از سوی دادگاه محلی رد شد. با تصویب قانونی جدید تصمیم احتیاطی مبنی بر اخراج شوهر از محل سکونت گرفته شد ولی شوهر منزل را ترک نکرد یعنی حکم اجرا نشد. به همین دلیل مادر مجبور شد که محل زندگی جدیدی برای خود و فرزندانش تهیه کند که به این ترتیب از خانواده و دوستان خود دور ماند و فرزندانش به دلیل تغییر محل سکونت مجبور به تغییر مدرسه شدند. در این پرونده دادگاه حقوق بشر اروپا اعلام کرده که مواد ۳ و ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نقض شده است.

در پرونده هایدوا علیه اسلواکی^{۳۲} متقاضی زنی است که مورد حملات لفظی و فیزیکی شوهرش قرار گرفته و مدعی شده است که مقامات داخلی قادر به محافظت از او در برابر خشونت همسرش نیستند. خواهان مدعی شده که علی رغم نظر کارشناسی ارائه شده به دادگاه داخلی مبنی بر اینکه شوهرش دارای اختلال روان پزشکی است و نیاز به درمان دارد. به دلیل اینکه تصمیمی برای بستری شدن در مؤسسات روان پزشکی گرفته نشده، همچنان مورد تهدید همسرش قرار قرار میگیرد دادگاه اروپایی حقوق بشر اعلام کرد که تصمیم دادگاه داخلی مبنی بر قرار ندادن شوهر متقاضی در یک مؤسسه روان پزشکی مغایر با تعهدات مثبت آن بر اساس ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است؛ یعنی نقض ماده ۸ کنوانسیون صورت گرفته است.

دعوی دیگر کالتوزا علیه مجارستان^{۳۳} است که در پرونده مذکور متقاضی زنی است که توسط نامزدش مورد خشونت لفظی و فیزیکی قرار گرفته و نامزدش علی رغم درخواست متقاضی به زندگی خود در منزل ادامه داده است. پس از کش و قوسهای فراوان یک سال و نیم طول کشیده تا متقاضی علیه نامزدش از مراجع داخلی قرار

³⁰ (Judgment of the ECtHR of 9 June 2009, 199-200)

³¹ (E.S. and Others v. Slovakia)

³² Hajduova v. Slovakia

³³ Kalucz v. Hungary



مجرمیت بگیرد. متقاضی نقض مواد ۳۲ و ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را مدعی شد اما دیوان بررسی خود را به ماده ۸ محدود کرد. دادگاه اعلام کرد که چنین تصمیمی باید بدون تأخیر اتخاذ شود تا از زنان در برابر خشونت محافظت شود و به این نتیجه رسید که ماده ۸ به دلایلی نقض شده است که دولت متبوع به تعهد ۶۹ خود عمل نکرده است.^{۳۴}

دادگاه خاطرنشان کرد که تمامیت جسمانی قربانی با حق آزادی متهم در تعارض است.

4-1. خلاصه ای از پرونده عبدالله اوجلان علیه ترکیه سال ۲۰۰۳ در خصوص نقض مواد ۱۳، ۱۸، ۱۴، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۳، ۲ و ۳۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر.

عبدالله اوجلان رهبر و بنیان گذار حزب کارگران کردستان در آوریل ۱۹۴۹ در استان اورفه ترکیه متولد شد پرورش یافت که سیاست های که سیاست های فاشیستی دولت ترکیه سالیان متمادی در فضای کشور سنگینی می کرد (حاجی پور، ۱۳۹۴) به گونه ای که صحبت کردن به زبان کردی حتی در خصوصی ترین جنبه های زندگی به تابویی تخطی ناپذیر مبدل شده بود؛ کوچک ترین جنبش ها به شدت سرکوب می شد و به طور کلی وجود هویت کردی به هیچ وجه بر تابیده نمی شد. از آنجا که هر جنبش فکری بازتاب شرایط عینی است که انسان در آن زندگی می کند در ترکیه نیز سرانجام سیاست های نژادپرستانه پان ترکیسم حاکم بر این است که کشور باعث که اجالم به عنوان یک آوانگارد در میان مردم کرد با تاسی از جنبش های موجود حزب کارگران کردستان را در ۱۹۷۸ تاسیس کند (منبع پیشین) این حزب که از پایگاه های مردمی برخوردار است دارای دیدگاه های چپ می باشد و سال ۱۹۸۴ به مبارزات مسلحانه با دولت ترکیه می پردازد. اوجلان در ۱۵ فوریه ۱۹۹۹ توسط نیروی امنیتی ترکیه در نیروگاه نایروبی دستگیر و از کنیا به ترکیه منتقل شد (Varouhakis, 2009) بنا به تشخیص دادگاه امنیت ملی آنکارا وی تا زمان محاکمه در بازداشت پلیس بود در ۲۹ ژانویه ۱۹۹۹ دادگاه امنیت ملی آنکارا اوجلان را به اتهام تجزیه طلبی بخشی از خاک ترکیه از طریق رهبری و هدایت نیروهای تروریستی به مجازات مرگ محکوم نمود. دادگاه معتقد بود که PKK^{۳۵} تحت فرماندهی اوجلان به اقدامات خشونت بار زیادی دست زده است که در نتیجه آن تعداد زیادی از افراد نظامی و غیرنظامی کشته شده اند. دادگاه شرایط مخفف نسبت به متهم را نپذیرفت و وی را به مجازات اعدام محکوم کرد در پی اصلاحات قانونی اکتبر ۲۰۰۱ در ترکیه جهت عضویت در اتحادیه اروپا که سبب حذف مجازات اعدام از قانون این دولت شد اوجلان در اکتبر ۲۰۰۲ توسط دادگاه امنیت ملی ترکیه به حبس ابد محکوم گردید^{۳۷}.

وی در ۱۶ فوریه ۱۹۹۹ در زندان (ایمرالی) محبوس شد اوجلان در دادگاهی محاکمه شد که یک قاضی نظامی در بخش قابل توجهی از روند رسیدگی جزو سه قاضی دادگاه بود وی برخلاف مقررات بین المللی و حتی محدودیت های اعمال شده توسط قوانین ترکیه به مدت ۷ روز قبل از محاکمه بدون هیچگونه ارتباطی با دنیای خارج در بازداشت پلیس بود (حاجی پور، ۱۳۹۴)

و به نماینده دیده بان حقوق بشر در ترکیه در جریان رسیدگی قضات حاضر به شنیدن شهادت هیچ یک از شهود اوجلان با این استدلال که این اظهارات پروپاگاندایی بیش نیست نشدند وکلای اوجلان در ۷ می ۱۹۹۹

³⁴ (Judgment of the ECtHR of 24 April 2012, 63-64)

³⁵ Miron Varouhakis, "Greek Intelligence and the Capture of PKK Leader Abdullah Ocalan in Studies in Intelligence 1 (2009): 4", 1999.

³⁶ مخفف سازمان مذکور.

³⁷ Ocalan .v.Turkey. 2003.



به پرونده ۱۷۰۰۰ صفحه‌ای وی دسترسی یافتند و از آنجا که مقامات قضایی نتوانستند نسخه‌ای از آن را فراهم کنند و کلاً با دستگاه‌های کپی شخصی خود به این امر مبادرت ورزیدند که تا دو هفته قبل از شروع استماع به طول انجامید خود اوجالان نیز اجازه بررسی مدارک تهیه شده علیه خودش را تا قبل از شروع استماع نداشت در مجموع می‌توان گفت که در جریان محاکمه اوجالان از هر مانع قابل تصویری جهت ممانعت از دفاع موثر وی بهره گرفته شد. همین امر منجر به این شد که محاکمه اوجالان را به حق، یاد آور و متداعی محاکمات نمایشی حکومت شوروی سابق آلمان نازی بدانند (Clark.2016)

اوجالان با شکایتی مطابق با ماده ۳۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مبنی بر نقض مواد ۲، ۳، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۷ و ۳۴ کنوانسیون در ۱۶ فوریه ۲۰۰۳ علیه ترکیه در دیوان اروپای حقوق بشر آغاز و منجر به صدور رای در ۱۲ می ۲۰۰۵ شد (حاجی پور. ۱۳۹۴)

دیوان در این رای دولت ترکیه را به نقض مواد ۳، ۵، ۶، کنوانسیون محکوم کرد^{۳۸}. اوجالان با توجه به شرایط طاقت فرسایی که در زندان ایمرالی با آن مواجه بود مجدداً با چهار شکایت در ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ در دیوان اقامه دعوی کرد. رسیدگی دیوان در نهایت منتهی به صدور رای در ۱۸ مارس ۲۰۱۴ مبنی بر نقض ماده ۳ کنوانسیون توسط دولت ترکیه شد. دیوان در خصوص پرونده اوجالان با نقض چندین ماده از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مواجه شد بخصوص ماده ۶ که بر مبنای پاراگراف اول ماده کنوانسیون در دادگاهی مستقل بی‌طرف و عادلانه محاکمه نشده است چون یک قاضی زامی طی بخش قابل توجهی از روند محاکمه در دادگاه امنیت ملی جزو قضات بود (Öcalan V. Turkey.2003).

نتیجه گیری

با بررسی روند طرح دعوی آیین دادرسی و مراحلی که باید طی شود تا به قبول دعوی از سمت دادگاه را شاهد باشیم در اولین شرط آن طرح دعوی در داخل قلمرو دادگاه‌های داخلی زیان زننده است به نوعی اصل صلاحیت تکمیلی را شاهد هستیم ریشه در اصل رضایت حقوق بین الملل به این معنی که دولت‌ها را نمی‌شود ملزم به تعهدی کرد مادام که خودشان قبول کنند این تعهد را بخواهند و رضایت داشته باشند برای الزام و متعهد کردن خودشان پس به ناچار در این دوران که قدرت واحد و حاکم بر این حقوق خاص یعنی حقوق بین الملل و تبع آن حقوق بشر نداریم به ناچار مجبور به سازش با دولت‌ها هستیم که این ضعف در رویه و طرح دعوی نیز دیده می‌شود برای نمونه تهدید دولت انگلستان برای خروج از این کنوانسیون در جریان رواندا که در سال‌های اخیر مورد توجه بسیار قرار گرفت چنین به نظر می‌رسد این سازمان‌های منطقه‌ای که کل هدف آن جذب و نگهداری دولت‌ها و ایجاد همکاری و سازش مثل سایر نهاد‌های بین المللی بین دولتی است با اصل رضایت و اصل عدم مداخله در امور داخلی در یک سو قدم می‌گذارند تا دولت‌ها خودشان را متعهد نگه دارند و تلاش کنند که این تعهد و وفای به عهد باقی بماند مسئله اعمال حاکمیت در تمام سرتاسر این پرونده‌ها نیز دیده می‌شود کشور زیان زننده سعی بر این دارد که



با قوانین داخلی مسئولیت خود را بپوشاند مثلاً در قضیه لیلا شاهین علیه ترکیه‌ها موضوع حجاب اسلامی در دیوان به نوعی برخورد شد که از همه جوانب ذهن را به سوی بی‌عدالتی سوق می‌داد. با این وجود که در دوره کنونی تمام انسان‌های کره زمین برابر هستند و نوع پوشش یک آزادی اساسی است. و همچنان ما در حقوق بشر به خصوص در حقوق بشر اروپایی که نماد بهترین نوع حقوق بشر تا به امروز است با شرایط این روزها ضعف‌هایی را می‌بینیم و ناچاریم به اینکه با این ضعف‌ها سازش کنیم تا به مرحله‌ای از سطح ارتباطات برسیم که تعهدات دولت‌ها یا تضمین معتبر داشته یا ریسک خروج و عدم انجام تعهدات با سایر وسایل تعهدات به صفر برسد حال با اینکه نقاط ضعف را بیان نموده‌ایم باید بگوییم دادگاه اروپایی حقوق بشر با ضعف‌هایی که بیان شد اولین مرجع و قوی‌ترین مرجع در خصوص طرح دعوی حقوق بشر در حال حاضر در اروپاست و در بین سازمان‌های منطقه‌ای با موضوع مربوطه کارکرد ممتازی را دارد. رسیدگی‌هایی که در این دادگاه انجام شده اکثریت به نوعی بوده که تفسیر پویایی از کنوانسیون انجام شده تا به ایجاد عدالت و احقاق حق کمک کند نمونه آن هم در پرونده‌های مربوطه به تفسیر صلاحیت رسیدگی³⁹ است که در مقاله‌ای تحت عنوان (اعمال فراسرزمینی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر) بررسی شده است که به علت مطالب زیاد و نیازمندی بررسی دقیق از پرداخت به آن به طور کامل به علت آسیب نزدن به مطلب خودداری شده و به اختصار بیان شد با این حال در دوره کنونی دادگاه حقوق بشر اروپایی به حد نهایت خود با شرایط کنونی در حال ادامه تلاش خود در راه آرمان‌های حقوق بشر است.

منابع

1. حاجی پور، زهرا، 1398، حق برخورداری از محاکمه عادلانه در آیین دیوان اروپایی حقوق بشر با تکیه بر پرونده عبدالله اوجالان، نشریه پژوهش‌های حقوقی، شماره 40.
2. زمانی، قاسم، حسینی، آزاد، سید علی، 1393، تاملی در برخورد دیوان اروپایی حقوق بشر با ماده 9 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بر پایه پرونده لیلا شاهین، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی.
3. زرخ، احسان، 1386، ساختار و آیین دادرسی دادگاه اروپایی حقوق بشر، نشریه حقوقی گواه شماره 100.
4. سادات، اخوی سید علی؛ حسینی اکبرنژاد، حوریه 1388 نشریه مطالعات حقوق خصوصی سال سی و نهم - شماره 4.
5. طباطبائی، سید احمد، 1382، دادگاه اروپایی حقوق بشر؛ ساختار و صلاحیتهای جدید، سال اول شماره پنجم زمستان 82 اندیشه های حقوقی.

³⁹ برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به مقاله با عنوان اعمال فراسرزمینی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر نوشته شده سادات اخوی، سید علی؛ حسینی اکبرنژاد، حوریه.



6. کرمی، محسن، 1401، بی تابعیتی و طرح دعوا در دادگاه اروپایی حقوق بشر در پرتو اسناد بین المللی، شماره 76 مجله ای مطالعات بین المللی.
7. ممتاز، جمشید، متوسل، سیروس، 1395، حق بر دادرسی در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دوره 46 شماره 4.
8. محمودی، امیر رضا، همکاران، 1400، مقابله با خشونت خانگی علیه زنان در رویه قضایی دادگاه حقوق بشر اروپایی، مجله مطالعات بین المللی شماره 74.
9. مسجدی، محسن، 1392، بررسی تحولات دیوان اروپایی حقوق بشر با تاکید بر پروتکل های 1 تا 14، پایاننامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز
10. مهرپور، حسین، 1397، نظام بین المللی حقوق بشر، چاپ هشتم انتشارات اطلاعات

1. Diclcson, Brice(ed). 1997. Human right and The European convention
2. INTERNATIONAL HUMAN RIGHTS : BY: THOMAS BUERGENTHAL, SECOND EDITION. WEST PUBLISHING CO. UNITED STATES OF AMERICA, 1995
3. MAJOR INTERNATIONAL INSTRUMENTS (STATUS AS AT 31 MARCH) DIVISION OF HUMAN RIGHTS AND PEACE SECTOR OF SOCIAL AND HUMAN RIGHTS, UNESCO. 1993
4. Nedjati, Zaim M. (1978). Human Rights under the European Convention, Elsevier Science Ltd; First Edition edition, Amesterdam, Netherlands..
5. Vienna Convention 1969
6. Golder v. The United Kingdom, ECHR reports 21 February 1975
7. Leyla Şahin v. Turkey, Application no. 44774/98, ECtHR, 10 November 2005
8. Francesco Sessa v. Italy, application No. 28790/08, ECtHr, Final Judgment 2012
9. FOLGERØ AND OTHERS v. NORWAY, Application No. 15472/02 ECtHR, 2007
10. Free Legal Assistance Group and Others v. Zaire, Communication No African Commission on Human and Peoples Rights, 1995
11. EWEIDA AND OTHERS v. THE UNITED KINGDOM, Applications Nos. 48420/10, 59842/10 , 51671/10 and 36516/10, ECtHR, 2013
12. Kontrova v. Slovakia Judgment of the ECtHR of 31 May 2007, 7-14
13. Bevacqua and s .v . Bulgaria 2008 Judgment of the ECtHR of 12 June 2008
14. Branko Tomasic and Others v. Croatia, (App. No. 46598/06), Judgment of the ECtHR of 15 January 2009.
16. Opuz v. Turkey 2009 Judgment of the ECtHR of 9 June 2009, 199-200
17. Judgment of the ECtHR of 9 June 2009, 199-200
18. E.S. and Others v. Slovakia, (App. No. 8227/04), Judgment of the ECtHR of 15.09.2009
19. Clark, William. "Byzantine Politics the abduction and Trial of Abdullah Ocalan"



20. Hajduova v. Slovakia Judgment of the ECtHR of 30 November,2010

21. Kalucza v. Hungary Judgment of the ECtHR of 24 April 2012

in Intelligence 1 (2009

23. ECHR. “Case of Öcalan V. Turkey (No. 1), (Application no. 46221/99).” (12 May2014

,24. ECHR. “Case of Öcalan V. Turkey (No. 2), (Applications nos. 24069/03, 197/04 18 march 2014